

## نقش تربیتی ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی از منظر قرآن

زهرا جلیلی

### چکیده

زمینه: تعریفی از ایمان و نقش آن: ایمان به معنای باور قلبی همراه با اقرار زبانی و کارهای عملی است که ابعاد وجودی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تغییراتی در جسم و جان به وجود می‌آورد و نقش قابل‌ذکری در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی دارد. موضوع جستار حاضر نقش ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی در نگاه قرآن است. سؤال اصلی تحقیق این است که ایمان چه نقشی در معنا بخشی و ارتقای زندگی دارد؟

**روش تحقیق:** در این مقاله روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و هدف از آن اهمیت ایمان و نقش آن در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی است.

**یافته‌های تحقیق:** یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از جمله نیازهای ضروری روحی و روانی انسان، نیاز به معناداری زندگی است که تأثیر بسزایی در بالا بردن کیفیت آن دارد و بالاترین فایده ایمان، معنا بخشی به زندگی است و اعتقاد به خدا درمان قطعی تنهایی انسان و دوری از هدایت او، موجب تنگنای در زندگی است. کارکردهای دیگر ایمان، رهایی از پوچی و ایثار و از خودگذشتگی و بالاترین مرتبه ایمان، ایثار جان در راه خداست.

**واژه‌های کلیدی:** ایمان، قرآن، کیفیت زندگی، معنای زندگی.

### مقدمه

معنا بخشی و ارتقاء کیفیت زندگی، از مفاهیمی است که باایمان ارتباط تنگاتنگی دارد زیرا باورها زمینه‌ساز اعمال انسان و سعادت و شقاوت وی نیز به باورها و اعمال وی مرتبط است. این معنا در معارف اسلامی و ادبیات به‌روشنی نمایان است. برای نمونه می‌توان به خطبه ۱۰۹ نهج‌البلاغه اشاره نمود که در آن اعتقاد و ایمان به‌مثابه ابزار وسیله‌ای برای توسل و تمسک به خدا معرفی شده است: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلُ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَبِرَسُولِهِ»: بهترین وسیله توسل و تمسک به خداوند ایمان به خدا و رسول اوست (۱) و یا در خطبه ۱۸۵ که از ایمان تعبیر به دستگیره محکم گردیده است: «وَأَقَامَ أَعْلَامَ الْإِهْتِدَاءِ وَ مَنَارَ الضِّيَاءِ وَ جَعَلَ أُمْرَأَسَ الْإِسْلَامِ مَتِينَةً وَ عَزَى الْإِيمَانَ وَثِيقَةً»: و پرچم‌های هدایت و چراغ‌های روشن را برافراشت و رشته‌های اسلام را محکم نمود و دستگیره‌های ایمان را استوار ساخت (۲).

قرآن کریم نیز ایمان به خدا را، به همراه کفر به طاغوت، تمسک و چنگ زدن به دستگیره محکمی دانسته که گسستنی نیست (وَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ) (۱). (بقره / ۲۵۶) قابل توجه است که در این آیه، اول کفر به طاغوت ذکر می‌شود و بعد ایمان به الله تا فرآیند تمسک به عروة الوثقی محقق گردد. در تفسیر آیه مذکور آمده است: کلمه استمسک به معنای چنگ زدن و چیزی را محکم چسبیدن است و کلمه عروه به معنای دستگیره و یا به‌عبارت‌دیگر دسته‌ای است که با آن چیزی را گرفته و بلند می‌کنند. جمله «فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» استعاره است و می‌خواهد بفرماید که رابطه ایمان باسعادت، رابطه عروه و دستگیره ظرف با ظرف و محتوای آن است و همان‌طوری که گرفتن و برداشتن ظرف، گرفتن و برداشتن مطمئن نیست مگر وقتی که دستگیره آن را بگیریم، به همان‌سان سعادت حقیقی مستقر نمی‌شود و امیدی

۱. همگی به ریسمان خدا (قرآن و اهل بیت) چنگ زنی و پراکنده نشوید.

به رسیدن آن نیست مگر این که به خدا ایمان آورده و به طاغوت کفر بورزیم (۳).

ایمان و اعتقاد به دین، امری فطری است که خداوند بشر را بدان سرشت و فطرت آفریده است (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا) (۲) (روم / ۳۰) و به گفته علامه جوادی آملی اعتقاد، انتظار اصلی انسان است و انتظارات دیگر وی، مانند اخلاق، اقتصاد و مانند آن فرع بر آن است. ایشان در بیان چرایی اصلی بودن انتظار ایمان، آن را به علت باور انسان به نظارت دائم خداوند می‌دانند. آن خدایی که عالم به‌ظاهر و باطن اوست و اعمال وی را درجایی ثبت و ضبط می‌کند که ناپود نشدنی است و انسان ظهور حاصل اعمال خود را در جهان دیگری که درک آن بسیار مشکل است، مشاهده می‌کند (۴) و اساساً ایمان تکیه‌گاهی است که انسان در تلاطم زندگی با تکیه‌بر آن، بر مشکلات خود فائق می‌شود.

ایمان دارای کارکردهایی است که از جمله آن نقش باور در کیفیت زندگی است. به‌عبارت‌دیگر، ایمان اکسیر حیات است و در درون فرد تحولاتی را رقم می‌زند که شخص معتقد را با انسان دارای اعتقاد کم، کاملاً متفاوت می‌سازد. حتی این تأثیر را می‌توان در بیمارانی که به دارویی فاقد اثر درمانی ایمان پیدا نمودند، نیز یافت. در تأیید این مطلب «می‌توان به سلامت بیمارانی اشاره نمود که به دارویی فاقد اثر درمانی، اعتقاد پیدا کرده و سلامت خود را بازیافتند که نقش باور را در درمان بیماری‌ها نشان می‌دهد» (۵). در بیان استعاره‌های مفهومی نهج‌البلاغه در خصوص اعتقاد و ایمان، به سخن مولا علی (ع) در خطبه ۱۵۶ اشاره شده که آن حضرت ایمان را راهی روشن دانسته که انسان را به مقصد می‌رساند و یا چراغی پر نور و درخشان که مسیر را روشن می‌کند و یا نشانه‌ای که به‌وسیله آن اعمال صالح نشان داده می‌شود، معرفی کرده است (۶).

۲. پس (با توجه به بی پایه بودن شرک) حق‌گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین (توحیدی) روی آور (و پابرجا و ثابت بر) سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است پاش.  
۳. «(الایمان) سبیل أبلج المنهاج أنور السراج» (ایمان) راهی است که گشاده و

اعتقاد به دین، موجب آرامش انسان و تحول در زندگی اوست زیرا ایمان بر جنبه‌های مختلف جسمی و روانی انسان تأثیر مثبت می‌گذارد و هراندازه دینی، احاطه‌ای بیشتر بر ابعاد مادی و معنوی انسان داشته باشد، قادر است تغییرات زیادی را در جسم و جان او ایجاد کند. فلذا ادیان توحیدی بالاترین تحولات را در روح و جسم انسان ایجاد می‌کنند. این گفتار درصدد پاسخ به این پرسش است که ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی چه نقشی دارد؟

### پیشینه پژوهش

در پیشینه‌شناسی تحقیقات با دو متغیر ایمان و معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی، باید اذعان نمود که این موضوع از جمله موضوعاتی است که از قدیم‌الایام مورد توجه عالمان دینی به‌عنوان رهبران معنوی جامعه و محققان راستین آن بوده است و نویسندگان بسیاری در این زمینه قلم‌فرسایی نموده‌اند. از تفاسیر و شرح آیات مربوط به دین که بگذریم می‌توان به برخی کتب معاصر در این زمینه مانند «انتظار بشر از دین» علامه جوادی آملی و یا «سنن النبوی» علامه طباطبایی اشاره نمود؛ اما برای رسیدن به نقش ایمان در حوزه معنا بخشی و کیفیت زندگی، می‌توان به مقالاتی در این زمینه اشاره نمود:

مقاله «بررسی کارکرد معنا بخشی دین در اندیشه علامه طباطبایی» نوشته قربان علمی و همکار که در آن به یکی از ویژگی‌های انسان که نیاز به معناست اشاره شده و اینکه تنها ایمان به دین می‌تواند آن را مرتفع سازد. در این پژوهش با توجه به نگاه علامه طباطبایی، سه مؤلفه معنا بخش ایمان بیان شده است. مؤلفه اول نقش مناسک دینی در زندگی انسان و معنا بخشی به آن، مؤلفه دوم ارائه تصویری معنادار از جهان هستی و مؤلفه سوم ارائه سپری در برابر ناملازمات هستی است.

مقاله دیگر «بررسی میزان کیفیت زندگی و ارتباط آن

با هویت دینی» نوشته سیروس احمدی و همکاران است و نویسندگان در آن به این نتیجه رسیده‌اند که آنچه می‌تواند کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار دهد عامل سلامت روانی است که بسیار مهم‌تر از سلامت جسمی و محیطی است و بین هویت دینی و کیفیت زندگی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و عبادات و مناسک دینی که کاملاً مرتبط با ایمان است، اضطراب و ناکامی افراد را کاهش داده و کیفیت زندگی را ارتقاء می‌بخشد.

پژوهش دیگر، مقاله «بررسی تطبیقی بهبود و کیفیت زندگی از منظر اسلام و روانشناسان مثبت‌گرا» نوشته محمدهادی یدالله پور و همکاران است که در آن کیفیت زندگی از منظر اسلام و علم روانشناسی مقایسه شده و مؤلفان در آن به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از آموزه‌های دینی کیفیت زندگی در اسلام و روانشناسی معاصر مشترک و اسلام راه کارهای پایدارتر و دقیق‌تری برای بهبود کیفیت زندگی ارائه نموده است، اما مهم‌ترین وجه تمایز آموزه‌های دینی آن است که بر تمامی آموزه‌های فردی و اجتماعی آن، بینشی توحیدی حاکم است و این خدامحوری و در کف حمایت او بودن، می‌تواند تمامی نگرانی‌ها را از زندگی مؤمنان بزدايد و این مطلب موجب ارتقای کیفیت زندگی آنان شود.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «کیفیت زندگی سالمندان و عوامل مؤثر در آن» نوشته رقیه اسماعیلی و همکار، نویسندگان در آن به این نتیجه رسیده‌اند که عامل ارتباط فرد با منابع دینی یکی از شاخصه‌های ارتقای کیفیت زندگی است که حتی می‌تواند محرومیت و کمبود حمایت خانوادگی و اجتماعی سالمند را جبران نماید که نکته فراوان ایست و به احتمال قوی بتوان آن را در دوره‌های دیگر زندگی مانند جوانی و میان‌سالی نیز مورد توجه قرار داد.

در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تأثیر دین و باورهای دینی در سلامت روانی فرد و جامعه» نوشته مهدی رضانی که در پایگاه سازمان تبلیغات اسلامی انتشار یافته است، نویسنده به دلایلی

روشن است. چراغش نورانی و پرتوافکن است» (قائمی، ۱۳۹۷: ۳۶).

## نقش تربیتی ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی از منظر قرآن

دین را عامل مؤثر در بهداشت روانی فرد دانسته که از جمله آن می‌توان به ایجاد معنی در زندگی و مرگ انسان و ارائه سبک زندگی سالم‌تر و ایجاد کارآمدی و حفظ خود و ارائه مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی مثبت‌گرا و اطاعت از آن که موجب تائید و پشتیبانی و پذیرش دیگران می‌شود، اشاره نمود.

مقاله پیش رو ضمن استفاده از مقالات مذکور، به دو ویژگی اساسی ایمان و اعتقاد به دین، یعنی معنا بخشی و ارتقاء کیفیت زندگی باهم اشاره نموده که در مقالات مذکور مشاهده نشد و لذا از این حیث قابل توجه است و می‌تواند مقدمه‌ای بر تبیین نقش ایمان در حوزه‌های دیگر، مانند حوزه اجتماعی، اخلاقی، فکری و مانند آن باشد، هر چند حوزه‌های نامبرده، روابط تنگاتنگی باهم دارند.

هدف اصلی تحقیق، نشان دادن نقش ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی و از اهداف فرعی آن اثر ایمان و اعتقاد به دین در ارتقای اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و ... است. طبق فرضیه تحقیق دستورهای ادیان توحیدی از جمله اسلام، به‌عنوان نظامی جامع، ناظر به تمامی ابعاد وجودی انسان است و عمل به آن، کیفیت زندگی را ارتقا می‌دهد و به‌گونه‌ای محسوس بدان معنا می‌بخشد.

### روش پژوهش

پژوهش نظری حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام و ارائه آن در دو بخش ایمان و معنا بخشی زندگی و ایمان و ارتقاء کیفیت زندگی صورت گرفته است. در بخش ایمان و معنا بخشی زندگی، به آراء مفسرین بزرگی مانند علامه طباطبائی و علامه جوادی آملی اشاره شده و از نظر اندیشمندان روانشناس و جامعه‌شناسی مانند هارولد کوئینگ و امیل دورکیم بهره برده است و در بخش ایمان و ارتقاء کیفیت زندگی، به برخی از فواید ایمان و اعتقاد به دین مانند آرامش قلبی، عدم احساس تنهایی، سهولت و آسانی در زندگی،

همراهی با سنت‌های الهی، رهایی از پوچی و هیچ‌انگاری، تزکیه و تربیت انسان، نفوذناپذیری و عزتمندی و ایثار و مقدم داشتن خود بر دیگران اشاره نموده است و در استنادات خود از کتب لغوی و تفسیری بهره برده و در ترجمه آیات از ترجمه انصاریان مدد جسته است.

### مبانی نظری پژوهش

#### ایمان و معنا بخشی زندگی

انسان تنها موجود صاحب اندیشه کره خاکی است که آمیزه‌ای از جسم و جان است. از سویی نیازهای دارد که ناظر بر ابعاد وجودی اوست و از سویی دیگر در زندگی خود، با امراض و مصائب و مرگ روبه‌روست و لذا تمسک به دستاویزی محکم و متین برای دستیابی به نیازها و داشتن اتکا و استناد در بلایا و مصائب، از نیازهای حیاتی اوست تا در دریای متلاطم زندگی، به ساحل نجات برسد و زندگی سعادت‌مندان‌های داشته باشد. لذا توجه به ایمان و اعتقاد به دین به‌عنوان عاملی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انسان و معنا بخشی زندگی، کوشش همیشگی عالمان اسلام‌شناس و دانشمندان انسان‌شناس بوده است که به فراخور حال در زمان‌هایی در افکار و آراء، بروز و ظهور بیشتری پیدا می‌کند.

امام علی (ع) در تبیین مفهوم دین (اسلام) در نهج‌البلاغه حکمت ۱۲۵، آن را ایمان معنا نموده است. ایشان در این خصوص می‌فرماید: «الاسلام هو التسليم و التسليم هو اليقين و اليقين هو التصديق و التصديق هو الاقرار و الاقرار هو الاداء و الاداء هو العمل» (۷). اسلام، یعنی تسلیم و تسلیم یعنی یقین داشتن و یقین یعنی تصدیق نمودن و تصدیق یعنی اقرار درست و اقرار یعنی اداء مسئولیت و اداء همان عمل به احکام دین است.

امام علی (ع) در توضیح معنی ایمان نیز در کلمات قصار ۲۲۷، آن را باور قلبی همراه با اقرار زبانی و کارهای عملی تبیین

نموده است. «الایمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان» (۸)

تکمله و توضیح این حدیث، آیه‌ای از آیات قرآن کریم است که اشاره به ایمان زبانی اعراب بادیه‌نشین دارد و از آن تعبیر به اسلام نموده است. (قَالَتِ الْاَعْرَابُ اَمِنَا قُل لِمَ تُوْمِنُوْنَ وَلٰكِنْ قُوْلُوْا اِسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِيْ قُلُوْبِكُمْ) (حجرات/۱۴) اسلام و ایمان مذکور در تفسیر کشاف چنین معنا شده است: اقرار زبانی بدون همراهی قلبی، اسلام است و همراهی قلبی و زبانی، ایمان (۹) بنابراین می‌توان گفت ایمان و دین (اسلام) مراتبی دارد که اقل آن ظاهری و زبانی است.

با بررسی آراء دین‌شناسان و کارکردهایی که آنان برای ایمان ارائه داده‌اند، سه فایده کلی برای ایمان و اعتقاد به دین مطرح شده است که فایده اول، تأثیر عبادات در زندگی و دوم، ارائه تصویری معنادار از جهان هستی است و سومین کارکرد آن، ارائه تصویری معنادار از رنج‌ها و مصائب زندگی و اعطای سپری مقاوم در برابر آنهاست (۱۰).

در توضیح فایده اول می‌توان به مهم‌ترین آیین عبادی اسلام و تأثیر آن در زندگی یعنی نماز اشاره کرد. همان عبادتی که در هیچ شرایطی اقامه آن ملغی نمی‌شود، نه در حال غرق شدن و نه در زمان جهاد با دشمن. علامه طباطبایی معتقد است مهم‌ترین دغدغه بشر، رسیدن به سعادت بوده و اذکار و افعال نماز نیز هرکدام در راه رسیدن به این سعادت است و از جمله آن، درخواست هدایت به صراط مستقیم است که در نمازهای روزانه تکرار می‌شود (۱۱).

در تبیین کارکرد دوم دین یعنی معناداری جهان هستی می‌توان گفت «جهان هدفمند آفریده شده و این هدفمندی است که به زندگی انسان معنا می‌دهد» (کاویانی، ۱۳۹۹: ۴۲) آیات متعددی در قرآن است که به این معناداری اشاره دارد و

از جمله آن آیه ۲۵ سوره ص است که در آن حقانیت آفرینش و معناداری آن آمده است: (وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا) (ص/۲۵) در تفسیر کشاف ذیل آیه آمده، آفرینش عبث و لعب نیست بلکه حق مبین است (۱۲).

کارکرد سوم دین، ارائه تصویری معنادار از سختی‌های زندگی است که ذیل هدفمندی آفرینش و تدبیر الهی قرار می‌گیرد. طباطبائی این بلایا را به دو بخش کلی تقسیم می‌نماید: یکی مصائبی است که بر اثر کارهای زشت دامن‌گیر انسان می‌شود؛ مانند آیه ۳۰ سوره شوری (وَمَا اِصَابِكُمْ مِنْ مِّصِيْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَيْدِيكُمْ) و دسته دوم بلاهایی است که بر انسان‌های بی‌گناه وارد می‌شود که ایمان به خدا و زندگی پس از مرگ در تبیین آن راهگشاست (۱۳).

طباطبائی یکی از نیازهای انسان را، نیاز به معنویت دانسته و بالاترین عملکرد ایمان و اعتقاد به دین را معنا بخشی به زندگی انسان دیده است. ایشان درباره معناداری گزاره‌های دینی، همواره آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی صاحب تأثیر دانسته و این که جهان را برای انسان معنادار می‌سازد. وی نه تنها دین را برای انسان و جامعه مفید معرفی نموده بلکه به طور خاص اسلام و خصوصیات آن را در اعمال و رفتار مؤمنین مورد توجه قرار داده است (۱۴).

در کتاب انتظار بشر از دین، نویسنده محترم فوایدی را برای دین و اعتقاد به آن برشمرده که از جمله آن شناخت حسن و قبح فعلی، از بین بردن ترس انسان، آشنایی با اشیای سودمند و مضر برای انسان، تأیید مستقلات عقلی (مانند علم انسان به نیازمندی جهان) و مدرکات عقلی غیرمستقل (مانند حقیقت معاد)، معرفی انسان کامل، تعلیم اخلاق و سیاسات و تعلیم صنایع و فنون سودمند است. ایشان کارکرد معنا و مفهوم بخشیدن دین به زندگی را از جمله مهم‌ترین فواید دین دانسته

۱؛ و ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست، بیپوده نیافریده‌ایم

۱. بادیه نشینان گفتند ما (از عمق قلب) ایمان آوردیم. بگو ایمان نیافریده‌اید بلکه بگویید اسلام آورده‌ایم زیرا هنوز ایمان در دلهایتان وارد نشده است.

## نقش تربیتی ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی از منظر قرآن

و در بیان دلیل سخن، میل و رغبت انسان به جاودانگی و خلود را بیان نموده است و این که نگرش دینی ناظر بر ابدیت انسان است و بشر در نگاه دین نامیرا و جاودانه است (۱۵). ایشان در جای دیگر کتاب در تعریف دین آورده است: دین مجموعه‌ای از عقاید و اخلاق و احکام و مقررات فقهی و حقوقی است که برای راهنمایی انسان، جهت سعادت واقعی در اختیار او قرار گرفته است (۱۶).

هارولد کوئینگ<sup>۱</sup> روانشناس و مدیر مرکز معنویت، الهیات و سلامت دانشگاه دوک آمریکا در کتاب ایمان و سلامت روان (منابع مذهبی جهت شفا جستن) خود، ضمن بیان این که متخصصی دینی نبوده و اطلاعاتی درباره هیچ یک از مذاهب حتی دین مسیحیت که بدان معتقد است نداشته؛ ولی باین وجود اطلاعات علمی بی نظیر و نکات ارزشمندی در خصوص ارتباط سلامت روان و ادیان، به خوانندگان ارائه نموده است. نکته قابل توجه وی در این کتاب آن است که از مکاتب روانشناسی و فلسفی خواسته به ادیان به دیده احترام بنگرند.

امیل دورکیم<sup>۲</sup> جامعه‌شناس بزرگ قرن نوزده و ابتدای قرن بیستم فرانسه، در بررسی جامعه‌شناسانه از دین، همبستگی دینی را از جمله فواید دین دانسته و مناسب مذاهب را در حفظ گروه دینی به مثابه غذا برای جسم معرفی کرده است. در کتاب جامعه‌شناسی دین ملکم همیلتون ترجمه محسن ثلاثی ص ۱۷۹، به نقل از کتاب انتظار بشر از دین در خصوص مناسب دین از قول دورکیم آمده است: "مناسب دین برای کارکرد درست زندگی اخلاقی ما به همان اندازه ضروری‌اند که خوراک برای نگه داشتن زندگی جسمانی ما ضرورت دارد؛ زیرا از طریق همین مناسب است که گروه خود را تأیید و حفظ می‌کنند" (۱۷).

طبق مطالب بیان شده: در این بخش می‌توان گفت که

از بین اساسی‌ترین نیازهای زیستی و روانی انسان، نیازهای روحی و یکی از نیازهای روحی انسان، نیاز به معناداری زندگی و این نیاز از ویژگی‌های انسان است و ایمان به عنوان تنها عامل برای معنادار نمودن زندگی، نقش مهمی در بالا بردن کیفیت آن دارد. لذا بالاترین فایده ایمان معنا بخشی به زندگی است که تأثیر بسزایی نیز در سلامت روح و روان آدمی دارد و از کارکردهای دیگر آن می‌توان از همبستگی دینی، احساس تعلق به جمع، اطمینان قلبی، عدم احساس تنهایی، سهولت در زندگی، رهایی از هیچ‌انگاری و ... نام برد که همه و همه در بالا بردن و ارتقاء کیفیت زندگی مؤثرند و اثر آن‌ها در سلامت جسم و جان انکارناپذیر است.

### ایمان و ارتقاء کیفیت زندگی

دستورهای دینی که همان اوامر و نواهی الهی و مستحبات و مکروهات اعمال است، ناظر بر نیازهای روحی و جسمی انسان و به منظور حرکت به سوی کمال اوست؛ و با مراعات و مراتب رعایت آن، تغییراتی کم‌وبیش در روش و منش انسان دین‌دار به وجود می‌آورد. علامه جوادی آملی در کتاب خود به مواردی از فواید بعثت انبیاء علیهم السلام اشاره نموده که دعوت به حیاتی جامع واقعی است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ) (انفال / ۲۴) ای اهل ایمان هنگامی که خدا و پیامبرش شما را به حقایقی که به شما (حیات معنوی و) زندگی (واقعی می‌بخشد) دعوت می‌کنند اجابت کنید. از جمله آن تعالیم، تعلیم حقایق دست‌نیافتنی، تزکیه و تربیت، اقامه قسط و عدل، آزادی انسان‌ها، یادآوری فطریات انسانی و دعوت به زندگی است. وی هم‌چنین از بین بردن ترس، تعلیم افعال خوب و بد و اشیاء مفید و مضر به انسان، آموزش صنایع سودمند و اخلاق و سیاست به انسان، معنادار نمودن زندگی، پیشرفت تمدن بشری و مواردی دیگر را که هر کدام به تنهایی می‌تواند عنوانی برای تحقیق و پژوهشی جداگانه باشد، به عنوان فواید

1. Harold Koenig  
2. Durkheim Emile

و کارکردهای ایمان معرفی نموده است (۱۸). در این بخش به برخی از کارکردهای ایمان که در خصوص ارتقاء کیفیت زندگی است اشاره می‌شود.

### اطمینان قلبی

از اولین نیازهای انسانی آرامش و اطمینان قلبی است که امور دیگر نیز بر بستر این آرامش تحقق می‌پذیرد؛ و یکی از کارکردهای ایمان اطمینان قلبی و آرامش و سکونی است که به دنبال ذکر خدا حاصل می‌شود. قرآن کریم نیز به این مطلب تنبه و آگاهی داده که با ذکر خدا اطمینان و آرامش حاصل می‌شود؛ که با تقدم جار و مجرور «بذکر الله»، این آرامش را منحصر در یاد خدا بیان نموده است (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (رعد / ۲۸) آگاه باشید دل‌ها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرد. در حدیثی از پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) نیز آمده است که بهترین شما کسی است که دیدار او خدا را به یاد شما آورد. «خَيْرُكُمْ مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتْهُ» (۱۹) و یا در حدیثی دیگر حواریون از حضرت عیسی (علیه‌السلام) سوال نمودند با که بنشینیم ایشان فرمود آن‌که دیدارش شما را به یاد خدا اندازه‌د. «قَالَ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى يَا رُوحَ اللَّهِ مِنْ يَجَالِسُ قَالَ مَنْ يُذَكِّرُكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتْهُ» (۲۰).

کلمه ذکر در مفردات به شناخت و معرفت الهی و کثرت در عبادت حق معنی شده (۲۱) واژه اطمینان به سکون بعد از رعب و ترس ترجمه گشته است (۲۲) و قرشی باء در «بذکر الله» را باء سببیه دانسته یعنی به سبب ذکر خدا قلب‌هایشان آرام می‌گیرد (۲۳). ابن عاشور اطمینان را به معنی سکون دانسته که برای یقین استعاره شده است (۲۴). در کشف نیز «ذکر الله»، ذکر رحمت و مغفرت حق بعد از اضطراب و خشیت از او تفسیر شده است (۲۵). شیخ طوسی نیز «تطمئن قلوبهم» را به سکون و انس به ذکر الله تفسیر کرده و ذکر را حضور معنا در نفس انسان دانسته است (۲۶).

حاصل مطالب آمده در این بخش آن است که سکون و آرامش و انس تنها با یاد خدا و عبادت و شناخت او حاصل می‌شود و در مقابل آن‌که از ذکر خدا اعراض کند گرفتار تنگنای در زندگی می‌شود (و مِنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا)<sup>۱</sup>. (طه / ۱۲۴) توضیح آیه اخیر در جای خود خواهد آمد.

### عدم احساس تنهایی

یکی از آلام انسان در طول زندگی تنهایی و احساس غربت است؛ و این مشکل در برهه‌هایی از زندگی بیشتر خود را نشان می‌دهد و چه هزینه‌های مادی و معنوی که برای حل این مشکل صرف نمی‌شود! اگر انسان می‌دانست که دین توانایی آن را دارد که تنهایی او را به نحو مطلوبی بر کند، دیگر جسم و جان خود را با رفتن به راه‌های گوناگون به‌زحمت نمی‌انداخت. فایده دیگر دین، پاسخ به احساس تنهایی انسان است؛ و تنها درمان قطعی و اطمینان‌بخش احساس غربت او، اعتقاد به خداوند است؛ و اگر انسانی همراهی حق را احساس کند، همان خدایی که وسوسه نفس او را می‌داند، هیچ‌گاه احساس تنهایی نخواهد کرد مشکل اینجاست که ما از وی دوریم (و نعلم ما توسوس به نفسك و نحن أقرب اليه من حبل الوريد)<sup>۲</sup>. (ق / ۱۶) امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در سخنی این نزدیکی و دوری به حق را تبیین می‌نماید. آنجا که می‌فرماید آنچه تو را به پروردگار نزدیک می‌کند، از آتش دور می‌دارد و آنچه تو را از خداوند دور می‌کند به آتش نزدیک می‌سازد «وَاعْلِمَنَّ مَا قَرَّبَكَ مِنَ اللَّهِ يُبَاعِدُكَ مِنَ النَّارِ وَمَا بَاعِدُكَ مِنَ اللَّهِ يُقَرِّبُكَ مِنَ النَّارِ» (۲۷).

ورید رگی متصل به قلب و کبد که جریان خون در آن است؛ و حبل الوريد به رگ گردن و رگ قلب نیز گفته‌اند (۲۸). طریحی اضافه حبل الوريد را اضافه شیء به خود دانسته است؛ یعنی لفظ

۱؛ و هر کس که از هدایت من روی بگرداند، برای او زندگی سخت و تنگی خواهد بود.  
۲؛ و ما به او از رگ گردن نزدیکتریم.

## نقش تربیتی ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی از منظر قرآن

حبل ورید دوتا است ولی معنای آن یکی است. وی حبل الورید را مثلی می‌داند که برای نشان دادن قرب و نزدیکی آمده است (۲۹). ابن عاشور حبل الورید را عروق غلیظ معنا نموده است و در توضیح علت آمدن خبر آفرینش با فعل ماضی و خبر علم پروردگار با فعل مضارع آورده که علت آن است که علم خداوند به وسوسه‌های نفسانی انسان انقضاء نمی‌یابد (۳۰). زمخشری عبارت «نحن اقرب» را مجاز دانسته و اینکه مراد از آن نزدیکی علم خداوند به بندگان است؛ و بیان نموده که این عبارت مانند آن است که الله فی کل مکان است و حالی که خداوند اجل از مکان است. وی نیز حبل الورید را مثلی برای شدت نزدیکی و قرب آورده است (۳۱).

حاصل مطالب آمده در این بخش آن است که خداوند نهایت قرب و نزدیکی به بندگان را دارد.

### آسانی در زندگی

از دیگر نیازهای انسان، گذران زندگی به سهولت و آسانی است که نقش مهمی در کیفیت زندگی دارد؛ و شاید نتوان انسانی را یافت که آسانی در معیشت را خواستار نباشد؛ و منظور از سهولت و آسانی تعبیر مقابل عبارت «ضنک» در قرآن کریم است. این نیاز نیز بنا بر قرآن کریم با قبول هدایت الهی محقق می‌شود؛ و با اعراض از هدایت حق، زندگی انسان دچار تنگی و سختی می‌گردد و به تعبیر قرآنی آن دچار «ضنک» در معیشت می‌شود (و مِنْ أَعْرَضِ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا). (طه/ ۱۲۴)

«ضنک» در لغت به معنای ضیق در هر چیز مانند عیش، مکان آمده است (۳۲، ۳۳). قرشی ضنک را به تنگی معنا نموده و در توضیح آن آورده که شخص بی‌خبر از خدا، پیوسته متوجه تمایلات نفسانی است و از وسعت نعمت خود راضی نیست لذا همواره در تنگی است و در مقابل آن که به دنیا به دیده دیگری می‌نگرد به یاد خداست (أَلَا بذكر الله تطمئن القلوب)

(رعد/ ۲۸) (۳۴). توضیح آیه در سطور پیشین آمد. در تفسیر ابن عاشور معیشت به معنی طول زندگی آمده و ضنک نیز به عسرت و اضطراب و تشویش معنا شده و منظور اعراض از ذکر، اعراض از هدایت الهی و اختلال حال شخص در دنیا و آخرت معنا شده است و در توضیح تشویش مذکور آمده که شخص تمام هم خود را برای چاره‌سازی و ایجاد اسباب به کار می‌گیرد و به فضائلی که خداوند به وی داده توجهی ندارد و خود را برای ازدیاد مال به هلاکت می‌اندازد و از نقصان آن هم در هراس است. وی از نظر مردم، در رفاه زندگی است و حال خوبی دارد ولی نفس وی غیر مطمئن و ناآرام است (۳۵).

علامه طباطبائی آیه مذکور را مقابل آیه قبل یعنی آیه «فمن اتبع هدای» دانسته که آیه مقابل آن عبارت «و من لم يتبع هدای» است و به جای آن اعراض از ذکر آمده است؛ و همین اعراض از ذکر که به معنی عدم تبعیت هدایت است را سبب ضیق در عیش دانسته است. علامه در ادامه علت این ضیق را فراموشی یاد خدا و انقطاع از ذکر او معرفی نموده است و اینکه دیگر چیزی برای بنده باقی نمی‌ماند جز آن که به دنیا متعلق شود و آن را مطلوب خود قرار دهد و بنابراین در اصلاح معیشت و توسعه آن اقدام می‌کند؛ و هر معیشتی که به وی داده می‌شود از آن راضی نیست و بیشتر وسیع‌تر از آن را طلب می‌کند لذا دائماً به جهت هم و غم و مصائب و مرگ و بیماری و فراق حبیب و حسد حاسد و کید کائد در ضیق صدر به سر می‌برد (۳۶).

تفسیر نمونه علت تنگی زندگی را به سبب کمبودهای معنوی و نداشتن غنای روحی معرفی نموده و در توضیح آن آورده که آنان بر اثر فراموشی یاد خدا، مسؤولیت‌های انسانی خود را فراموش کرده و غرق در شهوات و حرص و طمع می‌شوند و لذا بهره آنان از زندگی، معیشت ضنک می‌گردد؛ زیرا نه فناعتی است که جان آنان را پر کند و نه معنویتی است که به آنان غنای روحی دهد و نه اخلاقی که در برابر طغیان شهوات ایشان را بازدارد (۳۷).

طبق مطالب ذکر شده، معیشت ضنک امری معنوی است که بر اثر دوری از یاد خدا حاصل می‌شود و برای اعراض کننده از یاد حق، جز دنیا و مصائب آن چیزی باقی نمی‌ماند. لذا هر چه بیشتر طلب می‌کند، گرفتار تنگنای بیشتری می‌شود.

### همراهی با سنت‌های الهی

زندگی انسان در کره خاکی همراه با فراز و نشیب و خوشی‌ها و ناخوشی‌هاست و به فرموده قرآن انسان در رنج آفریده شده است (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ) (بلد/۴) یعنی نعمتی در دنیا نیست مگر آن که رسیدن به آن با زحمتی همراه است. از تأثیراتی که ایمان بر انسان می‌گذارد نگاه مثبت و دوستانه آدمی با آفرینش و همراهی او با عالم در جهت عبودیت الهی است که موجب نگاه مثبت به عالم و دوری از منفی‌گرایی می‌شود؛ زیرا هر که در آسمان‌ها و زمین است تسلیم اراده اوست (وَلِهُ أُسْلِمَ مِنَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا)<sup>۱</sup> (آل عمران/۸۳) بنابراین انسان با ایمان به خیل موجودات عالم می‌پیوندد.

قرشی درباره آیه مذکور آورده، آن که در آسمان‌ها و زمین است با رغبت یا کراهت به خدا تسلیم است (۳۸). راغب در معنی «طوعاً و کرهاً» طوعاً را مختص موجوداتی دانسته که با اختیار راه حق را برمی‌گزینند و کرها نیز خاص موجوداتی دانسته که به‌ناچار از انتخاب راه حق‌اند؛ و معنی دقیق طاعت را به بزرگی یاد کردن و تسبیح و تنزیه خداوند دانسته است (۳۹) و زبیدی ماده طاع را به معنی لان و انقاد یعنی نرمی و انقیاد آورده است (۴۰). شیخ طوسی در تفسیر عبارت «طوعاً و کرهاً» طوعاً را برای کسانی دانسته که از روی رغبت اسلام آوردند و کرها را از آن کسانی که بعد از جنگ و قتال مسلمان شدند. هر چند اسلام دسته دوم از روی اختیار بوده ولی مجازاً به عمل آنها کرها اطلاق شده است (۴۱). کشاف نیز آیه مذکور

۱. هر که در آسمان و زمین است از روی رغبت یا کراهت در برابر او (و اراده و فرمانش) تسلیم است.

را به همین معنا، ولی با عبارتی دیگر توضیح داده است (۴۲). از مطالب آمده در این قسمت می‌توان گفت انسان مؤمن باایمان خود، به هم‌نوایی با خیل عظیم موجودات عالم که تسلیم اراده اویند می‌پیوندد و از رهگذر این هم‌نوایی به آرامش دست می‌یابد.

### رهایی از هیچ‌انگاری

یکی از نیازهای دیگر انسان، نگاه روشن به زندگی و مرگ است. برخی انسان‌ها با هجوم بیماری‌ها و مشکلات دنیوی دچار پوچی و هیچ‌انگاری می‌شوند و غالباً نگاه روشنی به مرگ ندارند. انسان باایمان، عالم را تحت نظارت مدبری حکیم می‌بیند که حتی برافتادن برگ درخت هم عالم است (و ما تَسْقِطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا)<sup>۲</sup> (انعام/۵۹) لذا هیچ‌گاه در کوران حوادث زندگی به بن‌بست نمی‌رسد و با صبر و پایداری بر مشکلات فائق می‌آید. در قرآن کریم، هنگام بیان مرگ، تعبیر به خلق و آفرینش آن شده است (الذی خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَوَةَ لِيَبْلُوَكُمْ)<sup>۳</sup>. (ملک/۲)

در تفسیر المیزان در بیان خلق الموت، آمده است که موت عدم حیات نیست که سؤال شود مگر مرگ نیز آفریدنی است بلکه به معنی انتقال از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر است. از طرفی اگر مرگ به معنی عدم باشد بازهم متفاوت از عدم صرف است و لذا خلقت پذیر است و در قرآن تعبیر خلق برای آن شده است (۴۴).

ابن عاشور «الذی» را وصفی مستقل برای خداوند دانسته و علت آوردن خلق برای موت را این‌گونه آورده که موت، عرض مخلوق است و لذا از آن تعبیر به خلق شده است (۴۵). تفسیر نمونه نیز به مطلب علامه طباطبائی درباره خلق موت اشاره نموده و این‌که حقیقت مرگ انتقال از جهانی به جهان دیگر

۲. و هیچ برگی نمی‌افتد مگر آن که آن را میداند.  
۳. آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید.

## نقش تربیتی ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی از منظر قرآن

است و از همین رو به خلق تعبیر شده است. نویسنده در ادامه دو علت برای اول آمدن واژه موت بیان نموده که علت اول تأثیر عمیق موت بر حسن اعمال است و علت دوم مقدم بودن مرگ بر زندگی عنوان شده است (۴۶). زمخشری احسن عمل را اخلص و اصوب آن معرفی نموده است و در توضیح آن آورده که ممکن است عملی صواب باشد ولی خالص نباشد و یا خالص باشد ولی صواب و صحیح نباشد (۴۷). سخن از آزمایش و ابتلای به حسن عمل اشاره به کیفیت عمل داشته و نه کمیت آن (۴۸).

حضرت سجاد در دعای چهلم صحیفه سجادیه، در ذکر و یاد مرگ بیان فرموده که خدایا مرگ را در مقابل ما قرار ده و یاد آن را بر ما اندک مفرما. «و انصب الموت بین ایدینا نصباً و لا تجعل ذکرتنا له غیباً» (۴۹).

حاصل مطالب آمده آن است که زندگی هدفمند است و انسان باایمان، این هدفمندی را درمی یابد و دچار پوچی و هیچ انگاری نمی شود و به آرامش دست می یابد.

### تزکیه انسان

نفوس انسانی بیش از هر چیز، نیاز به تربیت و به تعبیر دقیق قرآنی آن، تزکیه دارد؛ و یکی از کارکردهای دین، تزکیه جان های آماده هدایت است؛ و زمانی که انسان آلودگی های نفسانی را از خود دور کند، ظرف وجودش پذیرای کلام حق گردد. در بیان علت بعثت انبیاء نیز تزکیه مقدم بر تعلیم کتاب و حکمت آمده است (یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمة)<sup>۱</sup>. (آل عمران / ۱۶۴)

راغب ماده «زکو» را به معانی پاکی و نمو برکت آورده و تزکیه نفس را به معنی رشد و نمو جان با خیرات و برکات دانسته است. «تنمیتها بالخیرات و البرکات» وی هم چنین تزکیه را به دو نوع محمود و مذموم تقسیم نموده که نوع محمود آن تزکیه

فعلی و عملی است و نوع مذموم آن، تزکیه قولی است که همان مدح خود است و در قرآن کریم از آن نهی شده است (فلا تزکوا انفسهم)<sup>۲</sup>. (نجم / ۳۲) و از حکیمی پرسیدند آن چیست که حق است و خوب نیست فرمود مدح انسان خودش را (۵۰). مکارم در تفسیر آیه فوق آورده که در ابتدای آیه فعل من آمده که به معنی بخشیدن نعمت بزرگ است و منظور بعثت حضرت پیامبر (ص) است؛ یعنی از بعثت حضرت ختمی به منبت و احسان بزرگ یاد شده است؛ و سپس برای آن حضرت سه برنامه مهم بیان گردیده که خواندن آیات الهی بر مردمان و تعلیم آنان و تزکیه نفوس ایشان و تربیت ملکات اخلاقی در آنان است؛ و در این میان تزکیه مقدم بر تعلیم شده است زیرا هدف اصلی و نهایی تربیت است؛ درحالی که از نظر تربیت طبیعی، تعلیم بر تربیت مقدم است (۵۱). شایان ذکر است یکی از طرق تزکیه نماز است زیرا آلودگی ها را از انسان دور می نماید (إن الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر)<sup>۳</sup>. (عنکبوت / ۴۵)

برآورد مطالب فوق آن است که تزکیه به معنی تربیت نفسانی از جمله مأموریت های انبیاء و مقدم بر تعلیم است و انسان باایمان با اطاعت از دستورهای الهی خود را در معرض این رشد روحی قرار می دهد و به آرامش جان دست می یابد.

### عزتمندی

از جمله خصائص ایمان، عزت و نفوذناپذیری است. قرآن کریم تمامی عزت را از آن خداوند می داند (فان العزة لله جمیعاً)<sup>۴</sup>. (نساء / ۱۳۹) و در سوره منافقون عزت را تنها از آن خدا و رسول و مؤمنین آورده است (و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین)<sup>۵</sup>. (منافقون / ۸)

در نزد فراهیدی و راغب ماده عز به معنی شدت و غلبه

۲. پس خودستایی نکنید.

۳. یقیناً نماز از گناهان آشکار و کارهای ناپسند باز میدارد.

۴. یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.

۵. در حالی که نیرومندی و اقتدار برای خدا و پیامبر او و مؤمنان است.

۱. (آن رسول) آیات او را بر آنان میخواند و (از آلودگیهای فکری و روحی) پاکشان میکند و کتاب و حکمت به آنان میآموزد (ر، ک؛ ترجمه خسروی، ۲: ۱۴۷).

كَانَ بِهِمْ خِصَاصَةٌ وَ مِنْ يُوقِ شَيْخٍ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۲</sup>  
(حشر / ۹)

ابن اثیر و ابن درید در النهایة و جمهرة اللغة، اثر یوثر اینارا را به عطا و بخشش و دیگری را در بهره و نصیب ترجیح دادن آورده‌اند (۵۹، ۵۸). راغب نیز ماده اثر را به معنی دنبال کردن آورده و ائزه اثرا و اثاره را به اثرش را دنبال نمودم آورده است وی ایثار را به معنی فضل و بزرگی و از خودگذشتگی دانسته است (۶۰). شیخ طوسی در تفسیر تبیان خود در توضیح واژه «تؤثرون» در آیه ۱۶ سوره اعلی (بَلْ تَوَثَّرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ)، این کلمه را به برگزیدن و انتخاب نمودن معنا نموده است یعنی بلکه زندگی دنیا را بر آخرت برگزیدید برای آنکه برای دنیا کار می‌کنید و برای آخرت عمل نمی‌کنید (۶۱) و البته این برگزیدن مذموم است نه ممدوح. زمخشری نیز در تفسیر آیه ۹ سوره حشر، واژه یوثرن را به مقدم دانستن معنا نموده، هر چند خود بدان محتاج باشند و علت آن را ایمان مستقر انصار دانسته است (۶۲). در تفسیر التحرير و التنوير معروف به تفسیر ابن عاشور نیز عبارت «ولو كان بهم خصاصة» در نقش حال تلقی شده است؛ یعنی مؤمنین در حالی که بدان چیزها نیاز دارند آن را به برادران خود می‌بخشند (۶۳).

با توجه به مطالب آمده، ایثار خاص گروهی از مؤمنین است که به مرتبه استقرار در ایمان رسیده‌اند و ایثار یعنی انسان در حال نیاز، بخشش و عطا نماید نه در حال بی‌نیازی و بالاترین درجه ایثار، بذل جان است که در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است که بالای هر نیکی نیکوکار، نیکی وجود دارد مگر آنگاه که شخص در راه خدا کشته می‌شود که بالاتر از آن نیکی نیست: فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ (۶۴) و قرآن کریم نیز کشته‌شدگان در

۲؛ و آنان را بر خود ترجیح می‌دهند گرچه خودشان را نیاز شدیدی (به مال و متاع) باشد و کسانی را که از بخل و حرصشان بازداشته‌اند، بر هم موانع و مشکلات دنیا و آخرت پیروزند.

آمده و زمین عزاز زمین سخت و نفوذناپذیر معنا شده است. ارض عزاز آی صلیبة (۵۳، ۵۲) و عزیز کسی است که در اثر نیرومندی امرش غالب و جاری است و مقهور نمی‌شود و عزت باقی و دائمی و حقیقی تنها از آن خدا و رسول و مؤمنین است و عزتی که برای کافران است تعزّز است نه عزّت که در حقیقت خواری و ذلت است. همان‌گونه که رسول خدا (ص) فرمود «كُلِّ عَزْلَيْسٍ بِاللَّهِ فَهُوَ ذِلٌّ» فلذا واژه عزّت گاه برای مدح است و گاه برای ذمّ. مدح است آنگاه که برای مؤمن باشد و ذمّ است آن زمان که برای کافر بیاید؛ مانند آیه ۲ سوره ص (بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ شِقَاقٍ)<sup>۱</sup> (۵۴). ابن عاشور تقدیم مسند بر مسندالیه در لله العزة را به معنی قصر دانسته یعنی عزّت تنها برای خدا و رسول و مؤمنین است و نه منافقین که این چنین می‌پندارند. وی تکرار لام در لرسوله و للمؤمنین را تأکید عزّت رسول و مؤمنین معنا نموده است (۵۵). طبرسی و علامه طباطبائی نیز در تفسیر آیه ۸ سوره منافقون آورده‌اند که خداوند در پاسخ منافقان فرمود که تنها عزّت از آن خدا و رسول و مؤمنان است ولی منافقان این حقیقت را نمی‌دانند (۵۶، ۵۷).

برآورد مطالب آمده آن است که مؤمن عزیز است یعنی زیر بار ذلت نمی‌رود. در حقیقت ایمان به مثابه دژ مستحکم عزّت است که هیچ ذلتی بدان راه ندارد و کلام نغز سرور احرار (ع) یعنی «هیهات منّا الذلّة» نیز ناظر به همین معناست.

### ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود

جامعه ایمانی برای پیشبرد اهداف عالی خود بیش از هر چیز نیاز به از خودگذشتگی و ایثار گروهی از مؤمنین دارد که از مال و جان خویش به نفع دیگران چشم‌پوشی کنند و این صفت از خصائص برجسته اهل ایمان است. قرآن کریم نیز مؤمنان ایثارگر را که علی‌رغم نیاز خود، دیگران را ترجیح می‌دهند، به فلاح و رستگاری ستوده است: (وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَ لَوْ

۱ بلکه کافران (غرق) در تکبر (و سرکشی و عداوت) و دشمنیاند.

## نقش تربیتی ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی از منظر قرآن

راه خدا را زندگان همیشه تاریخ می‌داند که نزد پروردگار خود روزی خورند (وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) (آل عمران / ۱۶۹). هرگز گمان مبر آن آن‌که در راه خدا کشته شدند مردگان اند بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

طبق یافته‌های پژوهش، معنای زندگی و ارتقاء کیفیت آن، از گزاره‌هایی است که با عقیده ارتباط تنگاتنگی دارد و اساساً باورها و اعتقادات انسان، نیروی محرکه اوست که اعمال و رفتار با توجه به آن شکل می‌گیرد و در آیات و روایات با تعبیر مختلفی از آن یاد شده است از جمله اینکه اعتقاد به دین امری فطری است که انسان با آن آفریده شده یعنی نمی‌توان فردی را یافت که عقیده و اعتقادی نداشته باشد. حال اگر انسان، ندای فطرت خود را اجابت کند و در جهت عقیده صحیح گام بردارد، در راه سعادت خود قدم برداشته است؛ و هر اندازه که آن دین بر ابعاد مختلف وجودی وی احاطه داشته باشد و شخص آن را بپذیرد و بدان عمل کند، تغییرات فزون تری را در جسم و جان او ایجاد می‌کند بنابراین ادیان توحیدی تحولات فراوانی را در جان موحدین به وجود می‌آورند زیرا احاطه بیشتری بر ابعاد وجودی آنان دارند و بدین وسیله معنای بیشتری به زندگی آنان داده و کیفیت آن را ارتقاء می‌دهند و لذا خاتم ادیان توحیدی یعنی اسلام که احاطه‌اش بر ابعاد وجودی انسان، تام و تمام است، تحولات و تغییراتی هر چه فزون تر از دیگر ادیان، بر جسم و جان معتقدین خود به وجود می‌آورد و معنا بخشی بیشتری برای زندگی آنان دارد.

هدف از انجام پژوهش حاضر نشان دادن نقش ایمان و اثر آن در معنا بخشی به زندگی و ارتقاء کیفیت آن بود. یافته‌ها نشان داد که دین نقشی اساسی و محوری در کیفیت زندگی دارد و بالاترین کارکرد آن معنا بخشی به زندگی است و از جمله

نیازهای روحی و روانی انسان، نیاز به معنای زندگی است. یافته‌ها نشان داد که دوری از ذکر خدا و یا هدایت او، موجب تنگنای معنوی در زندگی است و اعراض کننده از هدایت حق، محبت و علقه ای جز دنیا ندارد فلذا هر چه بیشتر می‌طلبد، گرفتار تنگنای فزون تری می‌گردد و یافته‌ها نشان داد که خضوع در برابر حق، همسوئی با کائنات و جلب انرژی‌های مثبت آن است. یافته‌ها نشان داد که دین، کارکردهای دیگری مانند عدم احساس تنهایی، سهولت در زندگی، همراهی با کائنات، رهایی از پوچی و ایثار و از خودگذشتگی دارد که تمامی آن به آرامش انسان می‌انجامد و کیفیت زندگی وی را ارتقاء می‌بخشد و یافته‌ها نشان داد که بالاترین ایثار، گذشتن از جان در راه خداست که بالاتر از آن چیزی وجود ندارد.

پیشنهاد می‌شود برخی کارکردهای ایمان از قبیل عزتمندی، آسانی در زندگی، رهایی از پوچی و ایثار، در بحثی مستقل مطالعه و بررسی شود تا فواید ایمان هر چه روشن تر گردد.

### منابع و مراجع

- القرآن الکریم. مترجم. انصاریان ح. ناشر آیین دانش: ۱۳۹۰.
- فیض الاسلام س ع. ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادهیه. تهران: صحافی فیض: ۱۳۷۸. ر، ک؛ ۳۳۹
  - قائمی م. درآمدی بر نظام مفهوم سازی استعاره در نهج البلاغه. مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا: ۱۳۹۷. ر، ک؛ ۴۵.
  - طباطبائی س م ح. ترجمه تفسیر المیزان. مترجم. موسوی همدانی س م ب. کتابخانه مجازی الفبا: ۱۳۶۰. ج ۲، ۵۲۶.
  - جوادی آملی ع. انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء پایگاه کتابخانه مدرسی فقهت: ۱۳۸۴. ر، ک؛ ۲۹
  - بوستانی کاشانی ا. نقش ایمان اعتقاد و باور در زندگی. پایگاه راسخون: ۱۳۹۲
  - قائمی م. درآمدی بر نظام مفهوم سازی استعاره در نهج البلاغه. مرکز نشر دانشگاه بوعلی سینا: ۱۳۹۷. ر، ک؛ ۳۶-۳۵
  - محمدی ک، دشتی م. المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغه. بیروت:

- دارالأضواء: ۱۴۰۶. ۱۱۱
۸. محمدی ک، دشتی م. المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغة. بیروت: دارالأضواء: ۱۴۰۶. ۲۳۶.
۹. زمخشری، م ب ع. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. مصحح. حسین احمد مصطفی. بیروت: دار الکتب العربی: ۱۴۰۷ ق. ج ۴، ۳۷۶.
۱۰. علمی ق، چنگی آشتیانی م. بررسی کارکرد معنا بخشی دین در اندیشه علامه طباطبایی. مجله انسان پژوهی دینی. مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی. ۱۳۹۲. دوره ۱۰: شماره ۳۰: ۲۵-۵. ر، ک؛ ۹
۱۱. طباطبائی س م ح. ترجمه تفسیر المیزان. مترجم. موسوی همدانی س م ب. کتابخانه مجازی الفبا: ۱۳۶۰. ر، ک؛ ج ۱، ۴۵
۱۲. زمخشری، م ب ع. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. مصحح. حسین احمد مصطفی. بیروت: دار الکتب العربی: ۱۴۰۷ ق. جلد ۴، ۸۹
۱۳. علمی ق، چنگی آشتیانی م. بررسی کارکرد معنا بخشی دین در اندیشه علامه طباطبایی. مجله انسان پژوهی دینی. مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی. ۱۳۹۲. دوره ۱۰: شماره ۳۰: ۲۵-۵. ر، ک؛ ۱۸-۱۹
۱۴. علمی ق، چنگی آشتیانی م. بررسی کارکرد معنا بخشی دین در اندیشه علامه طباطبایی. مجله انسان پژوهی دینی. مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی. ۱۳۹۲. دوره ۱۰: شماره ۳۰: ۲۵-۵. ر، ک؛ ۱۰-۵
۱۵. جوادی آملی ع. انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء پایگاه کتابخانه مدرسی فقاقت: ۱۳۸۴. ر، ک؛ ۴۵-۴۰
۱۶. جوادی آملی ع. انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء پایگاه کتابخانه مدرسی فقاقت: ۱۳۸۴. ۴۹
۱۷. جوادی آملی ع. انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء پایگاه کتابخانه مدرسی فقاقت: ۱۳۸۴. ۴۴
۱۸. جوادی آملی ع. انتظار بشر از دین. قم: مرکز نشر اسراء پایگاه کتابخانه مدرسی فقاقت: ۱۳۸۴. ر، ک؛ ۵۳-۴۰
۱۹. پاینده ا. نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و اله). تهران: دنیای دانش: ۱۳۷۴. ۴۶۵
۲۰. کلینی. م ب ی. الکافی (ط-الاسلامیة). محقق / مصحح. علی اکبر غفاری و آخوندی، تهران: ناشر دار الکتب الاسلامیة: ۱۴۰۷ ق. ج ۱، ۳۹
۲۱. راغب اصفهانی ح. مفردات الفاظ القرآن. محقق / مصحح. داوودی ص ع. بیروت-دمشق: ناشر دارالقلم-الدار الشامیة: ۱۴۱۲ ق. ج ۱، ۵۲۴.
۲۲. راغب اصفهانی ح. مفردات الفاظ القرآن. مترجم. خسروی غ. محقق / مصحح. خسروی غ. تهران: ناشر مرتضوی: ۱۳۷۴. ج ۲، ۲۳۵
۲۳. قرشی ع ا. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۴، ۲۳۹
۲۴. ابن عاشور م ط. تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی: ۱۴۲۰ ق. ج ۱۲، ۱۸۲.
۲۵. زمخشری، م ب ع. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. مصحح. حسین احمد مصطفی. بیروت: دار الکتب العربی: ۱۴۰۷ ق. ج ۲، ۵۲۸
۲۶. طوسی م ب ح. التبیان فی تفسیر القرآن. مصحح. عاملی اح. بیروت: دار احیاء التراث العربی: دون تا. ج ۶، ۲۵۰-۲۴۹
۲۷. محمدی ک، دشتی م. المعجم المفهرس لألفاظ نهج البلاغة. بیروت: دارالأضواء: ۱۴۰۶. ۱۰۵.
۲۸. قرشی ع ا. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۲، ۱۰۱
۲۹. طریحی ف ب م. مجمع البحرین. محقق / مصحح. حسینی اشکوری ا. تهران: مرتضوی: ۱۳۷۵. ج ۵، ۳۴۷
۳۰. ابن عاشور م ط. تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی: ۱۴۲۰ ق. ج ۲۶، ۲۴۹.
۳۱. زمخشری، م ب ع. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. مصحح. حسین احمد مصطفی. بیروت: دار الکتب العربی: ۱۴۰۷ ق. ج ۴، ۳۸۳
۳۲. اتابکی پ. فرهنگ جامع کاربردی فرزانه عربی-فارسی، تهران. نشر و پژوهش فرزانه روز: ۱۳۸۰. ج ۳، ۱۷۳۷
۳۳. فراهیدی، خ ب ا. العین. قم: نشر هجرت: ۱۴۰۹. ج ۵، ۳۰۲
۳۴. قرشی ع ا. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۴، ۲۰۰
۳۵. ابن عاشور م ط. تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی: ۱۴۲۰ ق. ج ۱۶، ۲۰۰-۱۱۹.
۳۶. طباطبائی س م ح. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات: ۱۳۹۰ ق. ج ۴، ۲۲۵-۲۲۴
۳۷. مکارم شیرازی ن. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۱۳، ۳۲۸
۳۸. قرشی ع ا. قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۴، ۲۴۸
۳۹. راغب اصفهانی ح. مفردات الفاظ القرآن. مترجم. خسروی غ. محقق / مصحح. خسروی غ. تهران: ناشر مرتضوی: ۱۳۷۴. ج ۲، ۵۱۲
۴۰. زبیدی. م ب م. تاج العروس من جواهر القاموس. مصحح. شبیری ع. بیروت: دار الفکر: ۱۴۱۴ ق. ج ۱۱، ص ۳۲۸

## نقش تربیتی ایمان در معنا بخشی و ارتقای کیفیت زندگی از منظر قرآن

- ص. ع. بیروت-دمشق: ناشر دارالقلم- الدار الشامیة: ۱۴۱۲ ق. ج ۲، ۵۹۱-۵۹۰
۵۵. ابن عاشور م. ط. تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی: ۱۴۲۰ ق. ج ۲۴، ۱۵۶
۵۶. طبرسی ف. م. ترجمه تفسیر مجمع البیان. مترجم. نوری همدانی ح. محقق. مفتاح محمد، تهران: فراهانی: دون تا، ج ۲، ۴۲
۵۷. طباطبائی س. م. ح. ترجمه تفسیر المیزان. مترجم. موسوی همدانی س. م. ب. کتابخانه مجازی الفبا: ۱۳۶۰. ج ۱۹، ۴۷۰
۵۸. ابن اثیر م. ب. م. النهایة فی غریب الحدیث و الاثر. محقق / مصحح طنحی م. م. زاوی ط. ا. قم: ناشر مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان: ۱۳۶۷. ج ۱، ۲۲
۵۹. ابن درید م. ب. ح. جمهرة اللغة. بیروت: ناشر دارالعلم للملایین: ۱۹۸۸ م. ج ۲، ۱۰۳۵
۶۰. راغب اصفهانی ح. مفردات الفاظ قرآن. مترجم. خسروی غ. محقق / مصحح. خسروی غ. تهران: ناشر مرتضوی: ۱۳۷۴. ج ۱، ۱۴۸
۶۱. طوسی م. ب. ح. التبیان فی تفسیر القرآن. مصحح. عاملی اح. بیروت: دار إحياء التراث العربی: دون تا. ج ۱۰، ۳۳۲
۶۲. زمخشری، م. ب. ع. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. مصحح. حسین احمد مصطفی. بیروت: دار الکتب العربی: ۱۴۰۷ ق. ج ۴، ۵۰۴
۶۳. ابن عاشور م. ط. تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی: ۱۴۲۰ ق. ج ۲۸، ۸۴
۶۴. کلینی. م. ب. ی. الکافی (ط-الاسلامیة). محقق / مصحح. علی اکبر غفاری و آخوندی، تهران: ناشر دار الکتب الاسلامیة: ۱۴۰۷ ق. ج ۲، ۳۴۸

<https://alefbalib.com>

<https://eshia.ir>

<https://rasekhoon.net/article/show/158646/Nihilism>

۴۱. طوسی م. ب. ح. التبیان فی تفسیر القرآن. مصحح. عاملی اح. بیروت: دار إحياء التراث العربی: دون تا. ج ۲، ۵۱۸
۴۲. زمخشری، م. ب. ع. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. مصحح. حسین احمد مصطفی. بیروت: دار الکتب العربی: ۱۴۰۷ ق. ج ۱، ۳۸۰
۴۳. عبدالباقی م. ف. المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم. بیروت: دار المعرفة: ۱۴۱۴ ق. ۵۴۷
۴۴. طباطبائی س. م. ح. ترجمه تفسیر المیزان. مترجم. موسوی همدانی س. م. ب. کتابخانه مجازی الفبا: ۱۳۶۰ ر، ک؛ ج ۱۹، ۵۸۵
۴۵. ابن عاشور م. ط. تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی: ۱۴۲۰ ق. ج ۲۹، ۱۲
۴۶. مکارم شیرازی ن. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۲۴، ۳۱۶
۴۷. زمخشری، م. ب. ع. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل. مصحح. حسین احمد مصطفی. بیروت: دار الکتب العربی: ۱۴۰۷ ق. ج ۴، ۵۷۵
۴۸. مکارم شیرازی ن. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۲۴، ۳۱۶
۴۹. فیض الاسلام س. ع. ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه. تهران: صحافی فیض: ۱۳۷۸. ر، ک؛ ۲۶۰
۵۰. راغب اصفهانی ح. مفردات الفاظ القرآن. محقق / مصحح. داوودی ص. ع. بیروت-دمشق: ناشر دارالقلم- الدار الشامیة: ۱۴۱۲ ق. ۳۸۱
۵۱. مکارم، مکارم شیرازی ن. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیة: ۱۳۷۱. ج ۳، ۱۵۹
۵۲. فراهیدی، خ. ب. ا. العین. قم: نشر هجرت: ۱۴۰۹. ج ۱، ۷۷
۵۳. راغب اصفهانی ح. مفردات الفاظ القرآن. محقق / مصحح. داوودی ص. ع. بیروت-دمشق: ناشر دارالقلم- الدار الشامیة: ۱۴۱۲ ق. ج ۲، ۵۶۳
۵۴. راغب اصفهانی ح. مفردات الفاظ القرآن. محقق / مصحح. داوودی

## Analyzing the Educational Role of Faith in Giving Meaning and Improving the Quality of Life from the Perspective of the Qur'an

Zahra Jalili

### Abstract

**Background and objective:** Faith means a belief in the heart accompanied by verbal confession and practical actions that affects the existential dimensions of man and creates changes in the body and soul and it plays a significant role in giving meaning and improving the quality of life. The subject of this article is the role of faith in giving meaning and improving the quality of life from the perspective of the Quran and the main question of the research is: What role does faith play in giving meaning and enhancing life?.

**Methods:** In this article, the research method is descriptive-analytical and based on library resources, and its aim is the importance of faith and its role in providing meaning and improving the quality of life.

**Findings:** Research findings show that one of the essential spiritual and psychological needs of humans is the need for meaningful life, which has a significant impact on improving its quality, and the highest benefit of faith is giving meaning to life. And belief in God is the definitive cure for human loneliness, and distancing oneself from His guidance causes hardship in life. Other functions of faith are liberation from emptiness, sacrifice, and self-denial, and the highest level of faith is sacrificing one's life for the sake of God.

**Keywords:** Fate, Meaning of life, Quality of life, Quran.